

درخواست مهار قرار دادهای موقت کار

نایب‌رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواسته است با تصویب آیین‌نامه تبصره یک ماده ۷ قانون کار در دولت، با قراردادهای موقت و غیرقانونی کارگران مقابله کند. سال گذشته پیش‌نویس آیین‌نامه تعیین مشاغل مستمر از غیرمستمر بعد از ۲۸ سال تصویب شد که در ماده ۲ آن، حداکثر مدت موقت برای کارهای با ماهیت غیرمستمر سه سال تعیین شده و انعقاد هرگونه قرارداد موقت بیش از سه سال برای این قبیل کارها ممنوع شد. ناصر چمنی گفته است تصویب نهایی این آیین‌نامه در جلوگیری از اخراج کارگران موثر است و بهتر است وزارت کار تصویب نهایی آن را در دولت پیگیری کند.

یکشنبه ● ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ ● شماره صد و نود و شش

ا ت ی v ع ه ن و

بهترین تصمیم، امانه ایده‌آل



درباره حقوق سال۹۸ مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی چند نکته وجود دارد. اول اینکه اگر می‌خواستیم براساس تورم واقعی حقوق‌ها را افزایش دهیم، رقم‌ها بسیار بیشتر می‌شد. حتی در جلسات مزدی شورای عالی کار نیز این بحث مطرح شد که رقم واقعی دستمزد حدود چهار میلیون تومان است. منتها مطابق توافق طرفین ارقام سبد معیشت خانوار که حدود سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان بود، مبنای تعیین دستمزد کارگران قرارگرفت. بدیهی است که سطح کنونی دستمزد‌ها و مستمری‌ها فاصله زیادی با خط‌افقر در جامعه دارد و طبیعی است هر دو گروه کارگر و بازنشسته با مسائل و مشکلات معیشتی در سال کنونی دست‌وپنجه نرم خواهند کرد. بسیاری می‌پرسند چرا بازنشستگان به افزایش ۳۶/۵ درصدی سطوح حداقلی و ۱۳ درصد افزایش بعلاوه ۲۶۱ هزار تومان تن دادند. پاسخ این پرسش به محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی برمی‌گردد. همه ما می‌دانیم که وضع بنگاه‌ها چندان مساعد نیست و به همین دلیل باید در مذاکرات به روشی عمل می‌کردیم که رضایت صاحبان تولید نیز حفظ می‌شد. اگر جمیع مسائل و محدودیت‌های دولت، سازمان تامین اجتماعی، فضای رکود و تورمی حاکم بر بنگاه‌ها را در نظر بگیریم، مصوبه افزایش مستمری‌های سال ۹۸، بهترین گزینه بوده، اما در عین حال همه واقف‌اند که این تصمیم ایده‌آل و کاملاً رضایت‌بخش هم نیست. نکته‌ای که کمتر در باره آن صحبت می‌شود، ارتباط میان افزایش‌ها با طرح متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران است. طبق قانون، اگر دستمزد‌ها و مستمری‌های دو گروه کارگر و بازنشسته هرکدام ۳۶/۵ درصد افزایش یابد،

سطح دریافتی‌ها به حدود یک میلیون و ۵۱۶ هزار تومان خواهد رسید. تفاوت آنجاست که بازنشستگان برعکس گروه‌های کارگری مشمول مزایای جانبی نمی‌شوند و احتمالاً خالص دریافتی آن‌ها در همین حدود خواهد بود که فاصله‌ای نسبتاً زیاد با میزان دریافتی کارگران هم خواهد داشت. در چنین وضعی، انتظار این است که جبران عقب‌ماندگی‌های گروه‌های مستمری‌بگیر از طریق همسان‌سازی صورت گیرد. مسئله این است که برداشت‌ها از همسان‌سازی اشتباه است. منظور از همسان‌سازی این است که مثلاً فردی که در سال ۸۰، شصت درصد سقف حقوق را دریافت می‌کرد، در سال ۹۸ نیز به همین نسبت دریافتی داشته باشد. این اتفاق که نیفتاده هیچ، بلکه با افت ارزش دریافتی‌های مستمری‌بگیران، قدرت خرید آن‌ها نیز رو به زوال رفته که خود معضلی بزرگ‌تری به‌وجود آورده است. واقعیت این است که بهترین راهکار برای بهبود قدرت خرید بازنشستگان و رساندن آن به سطحی که جوابگوی حداقل نیازها باشد در درجه نخست وابسته به اجرای همسان‌سازی است. کانون‌های بازنشستگی مصرا نه اجرای این قانون را مطالبه می‌کنند، اما موضوع این است که عملیاتی شدن قانون وابسته به تامین منابع مالی است و این نکته‌ای است که بارها مدیران و تصمیم‌گیران در سازمان تامین اجتماعی اعلام کرده‌اند به عبارت دیگر، زیست و زندگی بازنشستگان و مستمری‌بگیران منوط به تدبیر دولت در عمل به تعهداتش به تامین اجتماعی است. تقیل ویرداخت‌بار مالی احتمالی و همچنین تسویه‌مطالبات تامین اجتماعی همچنان مهم‌ترین مانع اجرایی است. انتظار ما این است دولت حداقل بخشی از بدهی‌های خود به سازمان تامین اجتماعی را پرداخت کند و در این راستا از هرگونه کوشش و فشاری که دولت را اقناع کند به تکلیف خود برای پرداخت طلب‌های تامین اجتماعی عمل کند.

رئیس کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی تهران

سالانه مستمری‌بگیران به همان اندازه که تحت الشعاع این برداشت قرار گرفته، لایه‌های تحلیلی دیگری هم دارد. برای نمونه در تلقی مسئولان سازمان تامین اجتماعی حجم روزافزون تعهدات دولت و نبود سازوکار اجرایی ضمانت‌دار دقیق و قانع‌کننده برای بازپرداخت حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی بدهی‌های انباشته‌شده‌اش به این سازمان، دست این سازمان را برای بالا بردن منطقی مستمری‌ها براساس محاسبات سبد معیشتی و کم کردن شکاف درآمد و هزینه‌های بازنشستگان که انتظار بجای این اقشار است، می‌پندد. موضوعی که مدیرکل فنی مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی نیز بر آن صحه می‌گذارد. محمدعلی جنانی معتقد است، تامین اجتماعی از میان تمام سناریوهایی که در جلسه برای تعیین تکلیف مستمری‌های امسال مطرح شده، افزایش حداکثری دریافتی‌ها را پیش برده است. ظاهراً سازمان تامین اجتماعی نیز پنج سناریو

برای تعیین میزان افزایش مستمری‌ها در جلسه مطرح کرده، اما آن طور که جنانی می‌گوید، روی بهترین سناریوی ممکن که همان فرمول شورای عالی کار رای کارگران بود، تمرکز کرده‌اند که مهم‌ترین هدف آن هم کمک به بهبود سطح زندگی اقشار بازنشسته و مستمری‌بگیر است. وی در گفت‌وگو با «آینفو» با بیان اینکه در تمام پیشنهادهای خود بار مالی، مخاطبان و مقتضیات محیطی را به‌طور دقیق مشخص کرده‌بود، می‌گوید: «نظر مشترک کانون‌های بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی، استفاده از الگوی شورای عالی کار در تعیین مستمری غیرحداقل‌بگیران بود که اگر به زبان اعداد و ارقام بیان شود، بیش از نرخ تورم رسمی کشور است.» محاسبات نشان می‌دهد هر مستمری‌بگیر تامین اجتماعی که حقوق ماهانه‌اش بالاتر از حداقل هاست، در مقایسه با سال ۹۷، ۳۰ درصد دریافتی بیشتری خواهد داشت که چهار درصد بیش از نرخ تورم رسمی اعلامی است. جنانی با بیان اینکه در مکانیزم افزایشی که طرفین بر سر آن توافق کرده‌اند، عدالت بیمه‌ای و محاسبات بیمه‌ای به‌خوبی لحاظ شده، به موضوع کفایت حقوق‌ها با هزینه‌های زندگی هم اشاره می‌کند. به گفته مدیرکل مستمری‌های سازمان تامین اجتماعی، سازمان به‌خوبی



تکثیر ۰۳

فرصت‌های اشتغال در بازسازی‌ها



در سیل اخیر بیشترین خسارت ناشی از سیل به واحدهای کشاورزی وارد شده که به‌دلیل آبگرفتگی، انباشته‌شدن رسوبات و گل‌ولای یا از بین رفتن کامل زمین، فرصت کشت و برداشت را از دست داده‌اند. این خرابی‌ها به‌گونه‌ای است که کشاورزان در این دوره -یعنی در این سال زراعی- علاوه بر محصول، در اغلب مناطق امکان کشت مجدد را نیز تا پایان دوره امسال از دست می‌دهند.

شدت سیل نیز بیشتر مربوط به استان لرستان است که واحدهای مسکونی آن به‌طور وسیعی در شهرهای پلدختر و معمولان تخریب شده است. اگر به این ویرانی‌ها از زوایای مختلف حادثه نگاه کنیم در لابه‌لای آن‌ها فرصت‌های بزرگی برای اشتغال هم نهفته است. توقف فعالیت‌های صنعتی و تولیدی به همان اندازه که می‌تواند، کاهش اشتغال را در پی داشته باشد، با شروع ساخت‌وسازها، بهسازی و بازسازی، فرصت ایجاد شغل را در بر دارد.

نابودی واحدهای مسکونی، در مرحله بازسازی فرصتی است برای تولیدکنندگان مصالح ساختمانی، لوازم خانگی و تجهیزاتی که موردنیاز است. بنابراین در شرایط کنونی به همان نسبت که به تولیدکنندگان این منطقه خسارت وارد شده، بازار مستعدی برای تولیدکننده‌ها در بخش‌های دیگر به‌وجود آمده است که اشتغال‌زایی در پی دارد. اگر دولت نظارت خوبی برای به‌موقع پرداخت کردن خسارت‌ها و استفاده از منابع داشته باشد، نیروی بومی کار می‌تواند با فعالیت در مزارع و مشارکت در روند بازسازی خرابی‌ها، فرصت مناسبی برای

این‌ها که بگذریم مشابه آنچه در مذاکرات تعیین دستمزد گذشت، جلسات افزایش حقوق مستمری‌بگیران و همین‌طور طرز نگارش مسئولان بیمه‌ای و بازنشستگی در باره آن را باید صورت‌بندی تازه‌ای کرد. نگرشی که ترجمان آن جایگزینی مولفه‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی به‌جای گزاره‌های عینیت‌داری مانند بحران کسری نقدینگی و بی‌انگیزگی دولت در پرداخت تعهدات خود در بزنگاهی به نام مذاکرات اصلاح حقوق و دریافتی مستمری‌بگیران است. به تعبیری ساده‌تر توجه ویژه به شرایط معیشتی بازنشستگان و بالا بردن حقوق‌ها بیش از شاخص‌ها و عملگرهای اقتصادی. مروری بر کارنامه تامین اجتماعی در افزایش حقوق‌های مستمری‌بگیران در سنوات ۹۲ تا ۹۶ نیز همین را نشان می‌دهد. براساس آمارهای

می‌داند که این میزان افزایش به‌طور کامل هزینه‌های زندگی بازنشستگان را پوشش نمی‌دهد و ممکن است افزایش‌های پدمال نباشد، اما در شرایط کنونی این بهترین مکانیزم ممکن است. او اضافه می‌کند: «سازمان تامین اجتماعی به‌خوبی می‌داند که اقشار بازنشسته و مستمری‌بگیر محتاج نگاه و توجه ویژه هستند و آرزوی این را دارد که تا جایی که توان و بضاعت مالی و اقتصادی‌مان اجازه می‌دهد، وضع معیشتی مستمری‌بگیران که در زمره گروه‌های آسیب‌پذیر هستند را ارتقا دهد، اما هرگونه تصمیم‌گیری تابع ملاحظات و محدودیت‌های مالی و بودجه‌ای هم است. به زبانی دیگر باید گفت هنر تامین اجتماعی در شرایط کنونی این است که اجازه ندهد قدرت خرید بازنشستگان افت کند.» حرف نهایی در باره پیشنهادهای داده شده برای



رسمی در دوره یاد شده، نرخ تورم تجمیعی ۱۰۸ درصد بوده، اما از آن سو تامین اجتماعی ۱۳۰ درصد مستمری‌ها را بالا برده است. این میزان افزایش البته نافی واقعیتی به نام عقب‌ماندگی معیشتی مستمری‌بگیران از هزینه‌های روزافزون زندگی که از قضا در دوران تحولات اقتصادی سال ۹۷ بدتر هم شده، نیست.

سر مقاله ●

●امیرجعفری آزاد●

سیل و سرمایه اجتماعی

۱- امدادگر، آبی به صورتش زد و داخل چادر، سر سفره نشست. وسط صورتش تمیز شده بود، اما گرداگرد چهره‌اش خاک و گل بود. «خسته نباشید» مرا با سر جواب داد و در جواب سوالم که کار چطور پیش می‌رود، گفت: «هنوز از شوک خارج نشده‌ام، همان روز اول سه نفر اعضای یک خانواده را از اتاق خوابشان بیرون آوردیم، هنوز چهره معصوم بچه سه‌ساله از ذهنم بیرون نمی‌رود.» امدادگر می‌گفت از شب قبل به مردم پل دختر اعلام شد که از هفت صبح احتمال سیل شدید وجود دارد و همه باید در محدوده‌های مشخصی از شهر، خانه‌هایشان را ترک کنند، اما کم نبودند کسانی که گفتند «کو تا سیل... امشب خانه خودمان می‌خوابیم و فردا صبح زود می‌زنیم بیرون.» بخشی از این واکنش، نشان از اهمال و بی‌خیالی افراد دارد و اینکه سیل پنجم فروردین زور زیادی نداشت و این سیل هم تهدیدکی نخواهد بود. بخش حساس و مهم در نحوه واکنش این مردم به هشدار، بی‌اعتماد بودن به اعلام خطر از طریق مبادی رسمی و دولتی است. مردمی که انگار عادت کرده‌اند همیشه در وضعیت فوق‌العاده و بیخ تاریخ زندگی کنند، از هشدارهای جنگ و حمله و تهدید د پاتک‌های ناگهانی تورم و گرانی و رکود، پرواضح است که به هشدار سیل توجه چندانی نشان ندهند. در ذهن مردم، فضای ناآرام اغلب برآمده از تصمیم‌های نهاد رسمی و سیاسی بوده، از این رو، در بحران‌های طبیعی نیز بعضاً اعتمادی به هشدارهای جدی نهادهای رسمی نداشته‌اند. «تنزل اعتماد اجتماعی» همان وضعیتی است که جامعه‌شناسان مدام در باره عواقب و صدمات آن هشدار می‌دادند و در چنین رخدادهایی است که این شاخص با تمام‌قدرت، تعیین‌کنندگی خود را بر رخ می‌کشد. اعتماد، رکن اساسی سرمایه اجتماعی است، همان شاخصی که روح جمعی و بعد معنوی اجتماع را شکل می‌دهد و فرد را به مشارکت و همکاری در تعاملات اجتماعی ترغیب می‌کند، بنابراین هر نوع خلل و ایجاد شکاف در سرمایه اجتماعی و ارتباط مردم و نهاد رسمی، همکاری دلولایانه کنشگران را با این نهاد تضعیف می‌کند و ممکن است این همکاری به تقابل تبدیل شود.

حتی در زمان وقوع بحران که مشارکت جمعی و هم‌نوایی بین مردم قدرت می‌گیرد، همه برای کمک، دست‌در دست هم می‌گذارند، اما چه‌بسا ورود نماینده‌های نهاد قدرت، حتی با نیت خیر را برنمی‌تابند و معترض می‌شوند. در این حالت است که مردم به استاندار و نماینده مسئولی که به‌محل حادثه وارد می‌شوند، اعتراض می‌کنند و برخی را از خود نمی‌دانند. این گونه است که به‌رغم بسیج امکانات تمامی ارگان‌ها در سطح کشور برای کمک به مردم حادثه‌دید، در بیشتر کلیپ‌های مجازی یک محور مشترک شنیده می‌شود که «اینجا کسی به داد ما نمی‌رسد و ما تنه‌ایم.»

۲- سیل، دو نوع زخم و گزند به همراه دارد؛ یک نوع آن، زمانی است که با قدرت می‌خروشد و هر آنچه در مقابل خود می‌بیند، فرو می‌کند و از وسط زندگی مردم عبور می‌کند و زخم دیگر، آسیبی دائمی و همیشگی است که بر سبک زندگی، معیشت و حتی امنیت روانی مردم وارد می‌کند. در سیل اخیر، مردمی که در وضعیت پرتلاطم اقتصادی کشور، در محروم‌ترین شهرها و روستاهای لرستان، گلستان و خوزستان، به زحمت نانی سر سفره خود می‌پردند، به یک‌باره زندگی‌شان دستخوش تغییر و دگرگونی اساسی شده است. آن‌ها بین وضعیت پیران شده حال و روزهای مهمم آینده خود پریشان و سردرگم‌اند. کشاورزی از اهالی روستاهای اطراف پل دختر می‌گفت: «شهرهای دیگر محصول کشاورزی خود را از دست داده‌اند و این محصول در کشت بعدی جبران می‌شود، اما من خاک زمینم را از دست داده‌ام و زمین کشاورزی‌ام به سنگ‌لاخ بستر رودخانه تبدیل شده است.» کشاورزی که شغل آبا و اجدادیش، کشت و کار روی زمین بوده و مهارتی غیر از این ندارد، آینده برای او ترسناک و غم‌انگیز است. در این بین، آسیب‌پذیرترین قشر در زمان وقوع سیلاب و حوادث ناشی از طبیعت، کودکان هستند، آن‌ها توان جسمی و روانی مواجهه با این حجم از تغییر و تأثیر را ندارند، به‌ویژه آن‌هایی که در این حادثه، والدین یا عضوی از خانواده خود را از دست می‌دهند...

ادامه در صفحه ۴